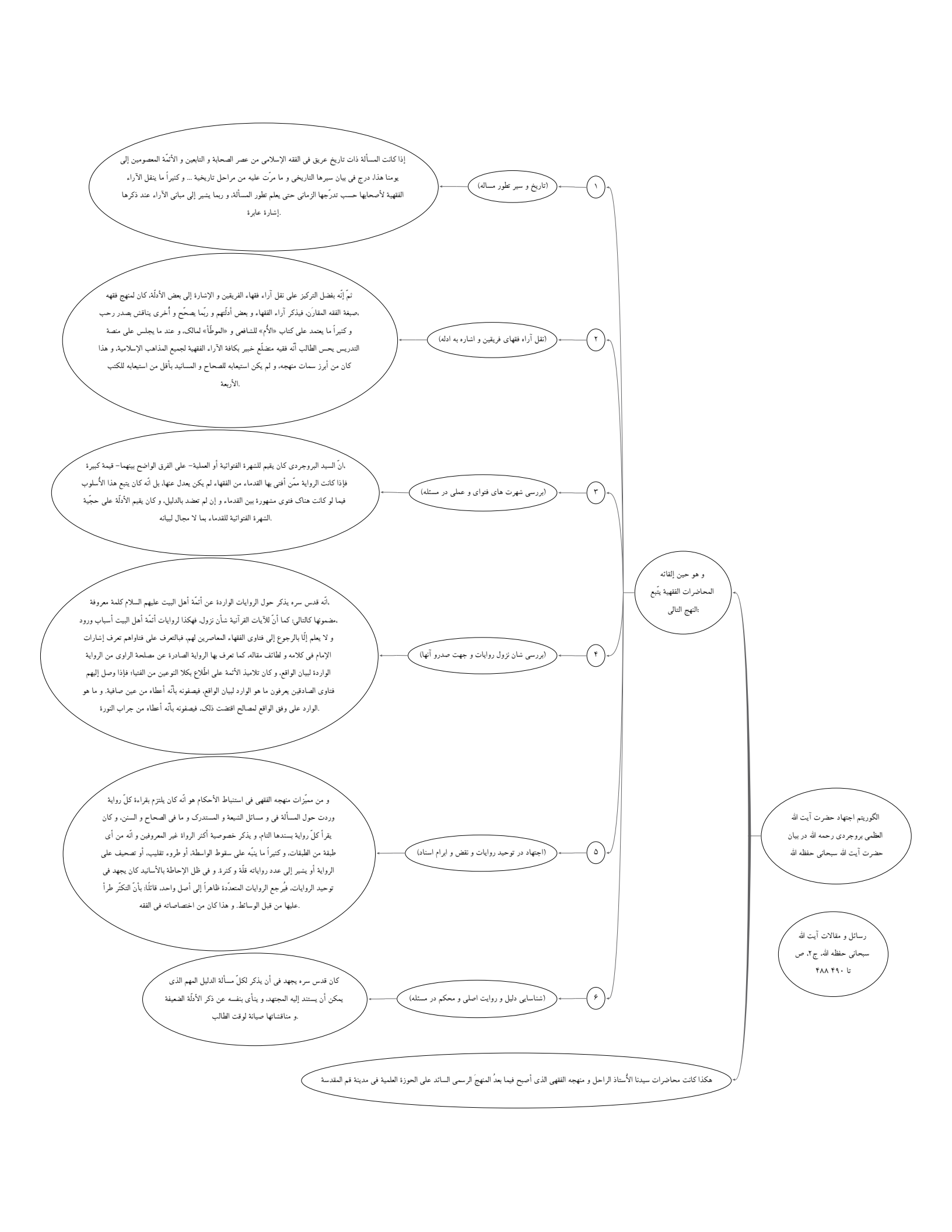
الگوریتم اجتهاد حضرت آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله در بیان حضرت آیت الله سبحانی حفظه الله
رسائل و مقالات آیت الله سبحانی حفظه الله، ج۲، ص ۴۸۸ تا ۴۹۰
و هو حین إلقائه المحاضرات الفقهیة یتّبع النهج التالی:
۱
(تاریخ و سیر تطور مساله)
إذا کانت المسألة ذات تاریخ عریق فی الفقه الإسلامی من عصر الصحابة و التابعین و الأئمّة المعصومین إلی یومنا هذا، درج فی بیان سیرها التاریخی و ما مرّت علیه من مراحل تاریخیة ... و کثیراً ما ینقل الآراء الفقهیة لأصحابها حسب تدرّجها الزمانی حتی یعلم تطور المسألة، و ربما یشیر إلی مبانی الآراء عند ذکرها إشارة عابرة.
۲
(نقل آراه فقهای فریقین و اشاره به ادله)
ثمّ إنّه بفضل الترکیز علی نقل آراء فقهاء الفریقین و الإشارة إلی بعض الأدلّة، کان لمنهج فقهه صبغة الفقه المقارَن، فیذکر آراء الفقهاء و بعض أدلّتهم و ربّما یصحّح و أُخری یناقش بصدر رحب، و کثیراً ما یعتمد علی کتاب «الأُم» للشافعی و «الموطّأ» لمالک، و عند ما یجلس علی منصة التدریس یحس الطالب أنّه فقیه متضلّع خبیر بکافة الآراء الفقهیة لجمیع المذاهب الإسلامیة، و هذا کان من أبرز سمات منهجه، و لم یکن استیعابه للصحاح و المسانید بأقل من استیعابه للکتب الأربعة.
۳
(بررسی شهرت های فتوای و عملی در مسئله)
انّ السید البروجردی کان یقیم للشهرة الفتوائیة أو العملیة- علی الفرق الواضح بینهما- قیمة کبیرة، فإذا کانت الروایة ممّن أفتی بها القدماء من الفقهاء لم یکن یعدل عنها، بل انّه کان یتبع هذا الأُسلوب فیما لو کانت هناک فتوی مشهورة بین القدماء و إن لم تعضد بالدلیل، و کان یقیم الأدلّة علی حجّیة الشهرة الفتوائیة للقدماء بما لا مجال لبیانه.
۴
(بررسی شان نزول روایات و جهت صدرو آنها)
انّه قدس سره یذکر حول الروایات الواردة عن أئمّة أهل البیت علیهم السلام کلمة معروفة، مضمونها کالتالی: کما أنّ للآیات القرآنیة شأن نزول، فهکذا لروایات أئمّة أهل البیت أسباب ورود، و لا یعلم إلّا بالرجوع إلی فتاوی الفقهاء المعاصرین لهم، فبالتعرف علی فتاواهم تعرف إشارات الإمام فی کلامه و لطائف مقاله، کما تعرف بها الروایة الصادرة عن مصلحة الراوی من الروایة الواردة لبیان الواقع، و کان تلامیذ الأئمة علی اطّلاع بکلا النوعین من الفتیا، فإذا وصل إلیهم فتاوی الصادقین یعرفون ما هو الوارد لبیان الواقع، فیصفونه بأنّه أعطاه من عین صافیة. و ما هو الوارد علی وفق الواقع لمصالح اقتضت ذلک، فیصفونه بأنّه أعطاه من جراب النورة.
۵
(اجتهاد در توحید روایات و نقض و ابرام اسناد)
و من مییّزات منهجه الفقهی فی استنباط الأحکام هو انّه کان یلتزم بقراءة کلّ روایة وردت حول المسألة فی و مسائل الشیعة و المستدرک و ما فی الصحاح و السنن، و کان یقرأ کلّ روایة بسندها التام، و یذکر خصوصیة أکثر الرواة غیر المعروفین و انّه من أی طبقة من الطبقات، و کثیراً ما ینبّه علی سقوط الواسطة، أو طروء تقلیب، أو تصحیف علی الروایة أو یشیر إلی عدد روایاته قلّة و کثرة. و فی ظل الإحاطة بالأسانید کان یجهد فی توحید الروایات، فیُرجع الروایات المتعدّدة ظاهراً إلی أصل واحد، قائلًا: بأنّ التکثّر طرأ علیها من قبل الوسائط. و هذا کان من اختصاصاته فی الفقه.
۶
(شناسایی دلیل و روایت اصلی و محکم در مسئله)
کان قدس سره یجهد فی أن یذکر لکلّ مسألة الدلیل المهم الذی یمکن أن یستند إلیه المجتهد، و ینأی بنفسه عن ذکر الأدلّة الضعیفة و مناقشاتها صیانة لوقت الطالب.
هکذا کانت محاضرات سیدنا الأُستاذ الراحل و منهجه الفقهی الذی أصبح فیما بعدُ المنهجَ الرسمی السائد علی الحوزة العلمیة فی مدینة قم المقدسة

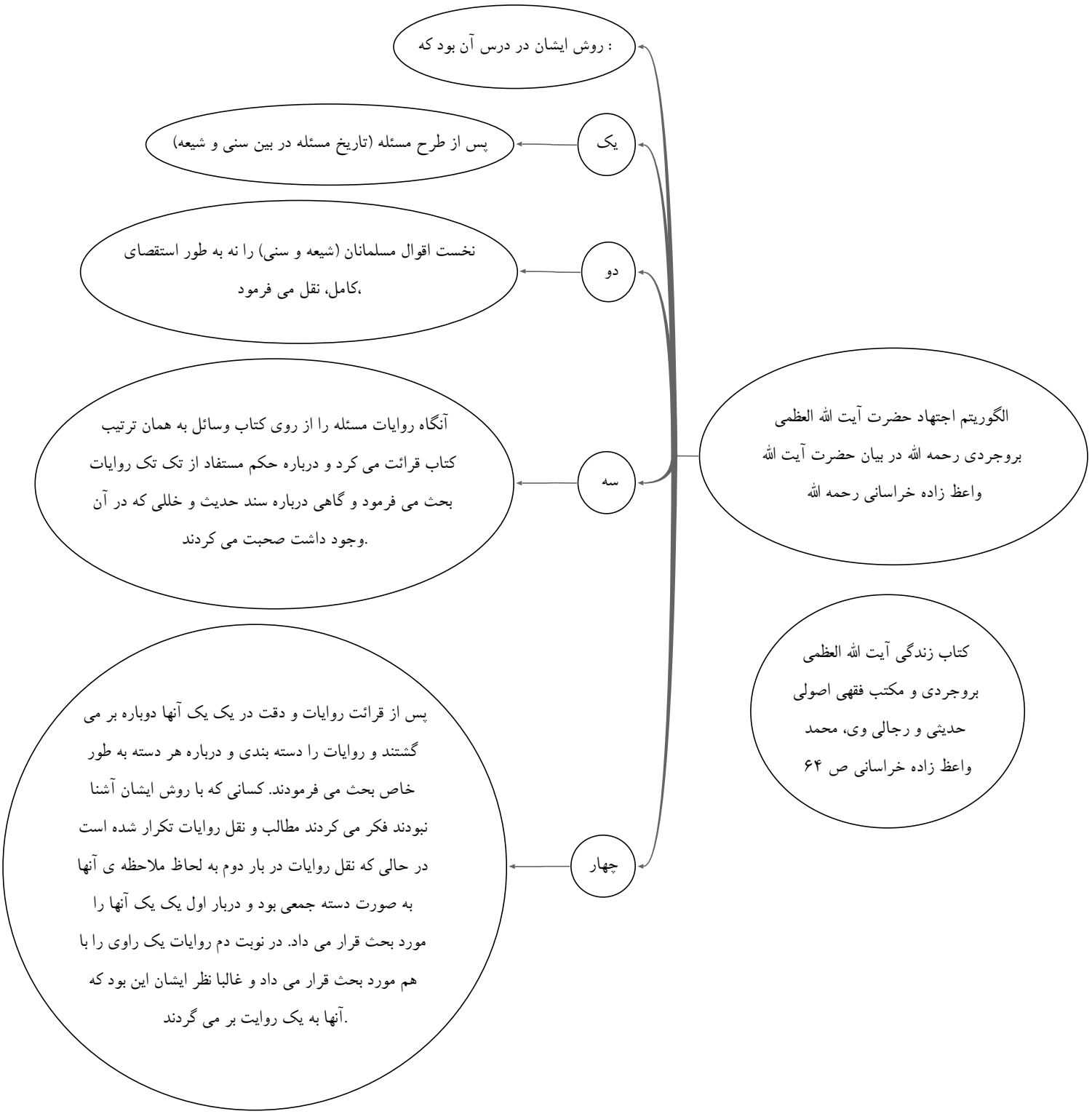
الگوریتم اجتهاد حضرت آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله در بیان حضرت آیت الله واعظ زاده خراسانی رحمه الله
: روش ایشان در درس آن بود که
یک
پس از طرح مسئله (تاریخ مسئله در بین سنی و شیعه)
دو
نخست اقوال مسلمانان (شیعه و سنی) را نه به طور استقصای ،کامل، نقل می فرمود
سه
آنگاه روایات مسئله را از روی کتاب وسائل به همان ترتیب کتاب قرائت می کرد و درباره حکم مستفاد از تک تک روایات بحث می فرمود و گاهی درباره سند حدیث و خللی که در آن وجود داشت صحبت می کردند.
چهار
پس از قرائت روایات و دقت در یک یک آنها دوباره بر می گشتند و روایات را دسته بندی و درباره هر دسته به طور خاص بحث می فرمودند. کسانی که با روش ایشان آشنا نبودند فکر می کردند مطالب و نقل روایات تکرار شده است در حالی که نقل روایات در بار دوم به لحاظ ملاحظه ی آنها به صورت دسته جمعی بود و دربار اول یک یک آنها را مورد بحث قرار می داد. در نوبت دم روایات یک راوی را با هم مورد بحث قرار می داد و غالبا نظر ایشان این بود که آنها به یک روایت بر می گردند.
کتاب زندگی آیت الله العظمی بروجردی و مکتب فقهی اصولی حدیثی و رجالی وی، محمد واعظ زاده خراسانی ص ۶۴